

## اساس ابزاری دین

از قول احمد خمینی نقل می کنند که: « با اطمینان به یاد می آورد که پدرش در ماه ژوئن ۱۹۸۱ به تعداد کمی از معتمدان خود، از جمله خود احمد، هدف را چنین توضیح می دهد: دعوی ما بر سر الله نیست. این را از سرتان بیرون کنید. مسئله بر سر اسلام هم نیست. این مسخره است. مسئله بر سر قدرت است. همه ما به دنبال قدرت هستیم، تمامیت قدرت!»

این سخنان نه افشاگری است و نه واجد حرف و حدیث تازه و طرفه ای می باشد. اسلام از محمد و علی و عمر تا خمینی و خامنه ای ابزار و وسیله و بهانه ای برای کسب قدرت و به تبع آن کسب ثروت و مکننت بوده است. اسلام برای اسلام فروشان و آخوندها و دینکاران و تمامی شیادان و شارلاتان های تاریخ همواره وسیله بوده است نه مسئله. دین و مذهب و الله و اسلام اگر مسئله و مشکلی بوده، در حقیقت برای اسلام زدگان و توده های مسلمان اسیر جهل و خرافات مسئله و مشکل بوده است.

لابد آنانی که با توجه به بختک حکومت اسلامی در ایران، کماکان معتقدند که: « مسئله دین نیست!» با شنیدن این سخنان از زبان بنیانگذار جمهوری اسلامی تأییدی بر باورها و تحلیل های خود می یابند. در صورتی که بالعکس، این واقعیت تاریخی نشان می دهد که مشکل و معضل و گرفتاری و بیچارگی ملت ایران همین دین است. همین ابزار تحمیق مردم، همین وسیله سواری گرفتن و در صدر نشستن و غارت و مفتخواری. علما و آیت الله ها.

بنا به همین واقعیت، مبارزه و مخالفت با جمهوری اسلامی از مخالفت با اسلام و انتقاد از اسلام جدا نیست. به عبارتی دیگر، چنانچه اسلام بهانه و وسیله قدرت طلبی و هژمونی خواهی اسلام پیشگان است، پس مسلماً ضرورت دارد که بهانه به دستشان نداد. لازم است که این وسیله را از دست ایشان گرفت.

از سوی دیگر از عقل و منطق بدور است که جمهوری اسلامی را نظام جهل و جرم و جنایت و تبعیض و غارت و شکنجه و اعدام و سنگسار و هزار و یک نکبت اسلامی دیگر بدانیم، اما در عین حال ایدئولوژی راهنمای همین نظام را محترم و مقدس و آسمانی بشمار آوریم و از گل نازکتر سخنی سزاوارش نپسندیم. و یا هر زشتی و پلیدی و نامردمی در حکومت اسلامی را فقط محصول اعمال افرادی چون خمینی و خلخالی و خامنه ای و جنتی و امثالهم به حساب آورده و ایدئولوژی همین حکومت را، اسلام راستین و اسلام مترقی و دین مبین و دین حنیف بنامیم و بری و پیراسته از هر فساد و فتنه و فاجعه بشناسیم! این تناقض را چگونه حل می کنید؟

( این موضوع که گفته شود آخوندها از اسلام ایدئولوژی ساخته اند و با استفاده ابزاری از اسلام حکومت تشکیل داده اند نیز بدون تردید سفسطه است. اسلام هم ایدئولوژی و هم پلاتفرم و برنامه عملی و راهنمای عمل حکومت اسلامی بوده است. همگان به خوبی می دانیم که پیامبر اسلام بر اساس نص صریح آیات قرآن حکومت تأسیس نمود، نهادهای حکومتی تشکیل داد، خمس و زکات و مالیات اسلامی جمع آوری کرد و به نام اسلام با قبایل و اقوام و ملت های دیگر جنگید. پس اگر

کسی از اسلام استفاده ایزاری کرده باشد، نخستین فرد خود پیامبر اسلام بوده است.)

این اشتباه مسلم و محرز و این سردرگمی و گمگشتگی و نادانی دقیقاً به این می ماند که مقصر و مسبب و باعث و بانی تمامی جنایت ها و کوره های آدم سوزی و نسل کشی و جنگ ویرانگر دوم را فقط و فقط کردار و رفتار افرادی چون هیتلر و گوبلز و گورینگ و آیشمن و دیگران بدانیم و ایدئولوژی فاشیسم را دین و آیین مقدس مردم آلمان بشناسیم و دائماً نگران باشیم که خدای نکرده سخنان ما احساسات فاشیست ها را جریحه دار نکند. که باید به اعتقادات و باورهای فاشیست ها احترام گذارد. که به مقدسات فاشیست ها نیاست توهین کرد!

و یا مثلاً قتل عام ها و اعدام ها و بازداشت گاه های سیبری و اردوگاه های کار اجباری و گولاک و دیگر جنایات کمونیست ها در شوروی را صرفاً به استالین و ژدانوف و بریا و مولوتوف و دیگر همکاران وی نسبت داد و ایدئولوژی کمونیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم علمی و مارکسیسم را فلسفه و اندیشه و اصولی بدون تضاد و تناقض و معضل و مشکل دانست و هر نقد و انتقادی از کمونیسم را توهین به مقدسات مردم شمرد!

حقیقت این است که تا زمانی که نقد و بازنگری و بازکاوی اسلام و قرآن و دین و مذهب با هدف اسلامزدایی از جامعه و به طور وسیع در سطح جامعه ایران به عنوان ضرورت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی امروز ما، به گستردگی و در همه نهادهای آموزشی و دانشگاهی و در رسانه های عمومی و رادیو و تلویزیون و روزنامه ها رواج نیابد، و در یک دوره ای حرف و حدیث عامه مردم، در کوچه و خیابان و حتا بر سر سفره غذا نبوده و دغدغه جمعی و ملی ما نباشد، نخواهیم توانست از این بغرنجی و از این مرحله گرفتاری تاریخی ایرانزمین برهیم.

در جامعه ایران تا هنگامی که ریش و ریشه و پشم و پیل مرتجعین و متدینین و مؤمنین را نتراشیم و شمشیر را از دست آخوند و ملا و مؤمن نستائیم و احترام نهادن به جهل و خرافات و زشت ترین اعتقادات اسلامزدگان بخواهد همچنان نگرانی ما بوده باشد، هرگز نخواهیم توانست رنگ آزادی و دموکراسی و رعایت حقوق بشر و پیشرفت و ترقی را در زندگی اجتماعی خود به چشم ببینیم و سهم ما از غرب کماکان همان غریزدگی خواهد بود.

آینده ایران و نجات حوزه عمومی از تجاوز دینداران و دینکاران، حداقل به عمر چند نسل، نیاز مبرم به استفاده از تمامی ظرفیت های آمرانه مصوبات قانونی و حکومتی داشته و با مامشات و مسالحه ممکن نیست بتوان با خوی تجاوزگر و پرخاش جو و قدرت طلب آخوندها و اسلام فروشان مقابله نمود.

جنبش جامعه مدنی در ایران، اگر با خود و در درون خود همزمان و همگام جنبش اسلام زدایی را نیز حمل نکند، حرکت ندهد و به پیش نراند، هرگز هیچ راهی به دیهی نخواهد برد. دینفروشان در هر گام و با هر قدم پایش را قلم خواهند کرد. بزرگترین خطا و نابخشودنی ترین اشتباه، مامشات و شف شف و تساهل و اتخاذ روش هایی پر از ادا و ژست های دموکراتیک در برابر اسلام متجاوز است.

اگر پادشاه ایران حجره چارتا آخوند گردن کلفت و عمامه گنده را در مدرسه فیضیه بر سرشان خراب می کرد، تمامی سرزمین ایران در تجاوز ۵۷ بر سر ملت خراب نمی شد. به گفته سلمان رشدی : اسلام با شمشیر آمده است، با شمشیر هم می رود.

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>

